

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

پرونده شماره ۱۰۳۳۵

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۱۰۳۳۵ - ۲۲۳

AWARD

Case No. 10335 - 62

Chamber Three

تئودور لاث ،

خواهان ،

ادعای کمتراز ۲۵۰,۰۰۰ دلار

که توسط ایالات متحده امریکا مطرح گردیده ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خواسته .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
شیت شد - FILED	
Date	8 MAY 1986
	تاریخ
	۱۳۶۵ / ۲ / ۱۸
No.	10335
	شماره

حکم

حاضران :

از طرف خواهان :

نماينده رابط ایالات متحده امریکا ،

آقای دی.ا.م. پرایس ،

قائم مقام نماينده رابط ایالات متحده امریکا ،

آقای ا.ا.ف. رابوین ،

خانم ال. بی. پالک ،

دستیاران نماينده رابط.

از طرف خوانده :

آقای محمدکریم اشراق ،
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران ،
آقای مختاری ،
آقای محمدی ،
مشاوران حقوقی نماینده رابط ،
آقای غلامی ،
دستیار نماینده رابط ،
آقای ترسلی ،
مشاور مالی نماینده رابط ،

اول - مقدمه

۱ - در ۱۹ زانویه ۱۹۸۲ (۲۹ دی ماه ۱۳۶۰)، ایالات متحده آمریکا دادخواستی به منظور طرح ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار از طرف تئودور لاٹ ("خواهان") علیه جمهوری اسلامی ایران یا بطور اخراج علیه صنایع هواپیمایی ایران ("خوانده" یا "صنایع هواپیمایی") به ثبت رساند. خواهان خسارته به مبلغ ۱۳،۷۷۷/۲۹ دلار آمریکا مطالبه می‌کند. این خسارت با بت چندین فقره پرداخت است که حسب ادعا از قرارداد استخدا می‌هیجده ماهه وی با صنایع هواپیمایی که از ۱۰ نوامبر ۱۹۷۷ (اول آذرماه ۱۳۵۶) آغاز می‌شده، ناشی می‌گردد. جلسه استماع این پرونده در چهارم دسامبر ۱۹۸۵ (۱۳ آذر ماه ۱۳۶۴) تشکیل گردید.

دوم - صلاحیت

الف - طرفین

۲ - خواهان مدعی است که از بدروتولد تبعه ایالات متحده بوده است و در آن باره مدارکی از جمله شناسنامه و همچنین فتوکپی قسمتهای مربوطه گذرنامه خود را ارائه داده و دیوان مقاعد شده است که وی تبعه ایالات متحده آمریکا بوده و طبق بند یک ماده هفت بیانیه حل و فصل دعا وی خواهان واقعی می‌باشد.

۳ - دیوان همچنین اظهارات خواهان را مبنی بر اینکه طبق الزام بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعا وی مستمرا "مالک ادعا بوده است، می‌پذیرد.

۴ - راجع به وابستگی صنایع هواپیمایی به سازمان صنایع نظامی ایران که خود یکی از سازمانهای وزارت دفاع ملی است، اعتراضی نشده است. بنابراین، صنایع نظامی به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل

دعا وی، یک " سازمان ، تشکیلات با واحد تحت کنترل دولت ایران " میباشد.

ب - قید انتخاب مرجع رسیدگی

۵ - خوانده اظهار میدارد که قرارداد استخدام حاوی قید انتخاب مرجع رسیدگی است که منظور بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی را تاء مین میکند وی استدلال مینماید که ادعا " ناشی از قرارداد تعهدآور فیما بین است ، که در آن مشخصا " رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران بوده " و بدینقرار از حیطه صلاحیت دیوان خارج است . خوانده به بند ۲۱ قرارداد استخدام میگند که مقرر میدارد :

" ۲۱ - اختلافات وقوانين حاكم برآن "

این قرارداد باید بعنوان یک قرارداد ایرانی تلقی شود و با این تابع قوانین کشور ایران بوده و طبق آن قوانین مورد تعبیر و تفسیر قرارخواهد گرفت . اختلافات ناشیه از این قرارداد باید طبق مقررات ایاسی حل شوند مگر آنکه برای حل و فصل آنها طبق قوانین ایران موجبات خاصی وجودداشته باشد .

خوانده استدلال میگند که طبق بند مذکور رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد استخدام در صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران میباشد و اضافه مینماید که بند ۲۱ قرارداد مقرر میدارد که کلیه اختلافات ناشی از قرارداد استخدام باید طبق مقررات صنایع هوا پیمائی حل و فصل شوند که طبق اظهار خوانده ، این خود حل و فصل اختلافات قراردادی را منحصرا " مشمول صلاحیت دادگاههای ایران مینماید .

۶ - خواهان در پاسخ استدلال میگند که در بند ۲۱ قرارداد صلاحیت رسیدگی به هیچ دادگاهی تفویض نگردیده و به طریق اولی صلاحیت انحصاری به یک دادگاه ایرانی داده نشده است . مقررات صنایع هوا پیمائی نیز صریحا " در آن قید نگردیده ، در بند مزبور به خط مشی صنایع هوا پیمائی اشاره شده است . علاوه برآن ، خواهان متذکرمیگردد که خوانده نه آن مقررات را تسلیم و نه آنها را نقل کرده است .

۲ - به نظر دیوان در بند ۲۱ قرارداد اشاره خاص به یک دادگاه صالحه ایرانی نشده است. بنا براین، بند مزبور مشمول مفادتا ظربراست ثناًی مندرج در بند یک ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی نمی‌شود. رجوع شود به زوک سور اینترنشنال اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران، قرار اعدادی شماره ۲۵۴ - ۲ دیوان عمومی (۵ نوامبر ۱۴/۱۹۸۲ آبان ماه ۱۳۶۱) که در Iran- U.S C.T.R. 271 نیز به طبع رسیده است.

سوم - ماهیت

الف - قرارداد

۸ - در ۱۹۷۶ ، خواهان قرارداد استخدامی به مدت اولیه ۱۸ ماه با صنایع هواپیمایی امضاء کرد. سمت وی " تحلیل گر ارشد مرغوبیت " تعریف و برای کار در کارگاه شماره یک صنایع هواپیمایی در فروندگاه مهرآباد استخدام شده بود. وظیفه نامبرده نظارت بر " تهیه اسناد لازم برای تعمیرات کلی هواپیماهای نظامی بود ". پس از انقضای مدت اولیه قرارداد، صنایع هواپیمایی قراردادخواهان را از دهم نوامبر ۱۹۷۷ (۱۹ آبان ماه ۱۳۵۶) برای مدت هیجده ماه دیگر تمدید کرد. شروط قرارداد تمدید شده کلا " مشابه شروط قرارداد ۱۹۷۶ بود .

۹ - در قرارداد حقوق پایه‌ای بمبلغ ۱،۴۱۲ دلار در ماه به علاوه مبلغ ۳۵۴ دلار سوق العاده خارج از کشور، مبلغ ۲۰۶ دلار فوق العاده کالا و خدمات، مبلغ ۴۱۳ دلار سوق العاده مسکن و وسائل (آب و برق و گاز) تعیین شده بود. خواهان طبق مفاد قرارداد ترتیبی را انتخاب کرد که بنا بر آن ۵۵٪ حقوق پایه‌اش به حساب بانکی‌وی در ایالات متحده حواله و ۵۵٪ باقی مانده و کلیه فوق العاده‌های وی در محل به ریال پرداخت می‌شد. در صورت خاتمه قرارداد اعم از آنکه یکی از طرفین آنرا فسخ می‌کرد یا مدت قرارداد پایان می‌یافتد، مبالغ پایانی گوناگون دیگری نیز قابل پرداخت بود .

ب- فسخ قرارداد

۱۰ - خواهان ادعا می‌کند که در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۵ دی ماه ۱۳۵۲) یا مقام آن تاریخ، صنایع هواپیمایی پرداخت به موجب قرارداد راقطع کرد. وی اظهار می‌دارد که از اول زانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۲) گروه مسلحی از ورود وی به محل کار جلوگیری کردند. این گروه به کارمندان خارجی اجازه ورود نمی‌دادند و این کار تا ۱۸ فوریه ۱۹۷۹ (۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۲) ادامه داشت.

۱۱ - در ۱۸ فوریه ۱۹۷۹ (۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۲)، خواهان نامه‌ای به مدیر روابط صنعتی صنایع هواپیمایی نوشت و از جمله اظهار داشت:

"به علت مشکلات کنونی در ایران و تخلیه خارجیان از ایران ناگزیر استفاده خود را از این تاریخ تسلیم می‌دارم."

۱۲ - خواهان اظهار می‌دارد که در بیستم فوریه ۱۹۷۹ (۱ اویل اسفند ماه ۱۳۵۲) به دستور صنایع هواپیمایی به محل کار خود مراجعه کرد و حکم خاتمه خدمت و گذرناه خود و اجازه خروج از کشور را دریافت نمود. در همان تاریخ، خواهان نامه‌دیگری نیز شخما "به رئیس صنایع هواپیمایی" تسلیم کرد وی در نامه مزبور ضمن مطالب دیگر نوشته بود که:

"بدینوسیله با ظلاع شمامیدساند که من مجبورم قرارداد استفاده خود را با شرکت صنایع هواپیمایی ایران فسخ نمایم. به علل زیر:

- ۱ - قصور ایاسی در پرداخت حقوق - پاداش و کمک هزینه زندگی من در مدت ۸ هفته گذشته.
- ۲ - وضع غیرثابت کنونی ایران.
- ۳ - عدم تاء مین برای خارجیان از طرف ایاسی.
- ۴ - تشویق همه خارجیان برای ترک محل در این موقع از طرف ایاسی.

علل فوق الذکر مربوط به تقصیری از طرف من نبوده‌اند و از این نظر من این خاتمه قرارداد را مشمول پاراگراف ۱۲ و پاراگراف‌های فرعی (ب) و (ج) قرارداد استفاده بین اینجنب و ایاسی می‌دانم.

لذا، من مدعی هستم که کلیه پرداخت‌ها - حقوق - پاداش‌ها - کمک هزینه زندگی و هزینه سفر هوائی خود م

و همسر تحت تکفل من منجمله هزینه اجازه خروج او باید
توسط ایاسی به من پرداخت گردد.
من درخواست دارم که هر مبلغی به من تعلق می‌گیرد به
بانک من در امریکا منتقل گردد.

۱۳ - خواهان استدلال می‌کند که صنایع هواپیمائی قبلاً در ۱۸ فوریه ۱۹۷۹ (۲۹) بهمن ماه ۱۳۵۲) قرارداد را با عدم پرداختهای مقرر نقض کرده بودوا این
نقض برای آنکه خواهان قرارداد را از ناحیه صنایع هواپیمائی فسخ
شده بداند کافی بود.

۱۴ - خواهان اعتراض می‌کند که جز در مواردی که قرارداد در اثر "حوادث
طبیعی یا رویدادهای بین المللی" خارج از "اختیار" هریک از طرفین
خاتمه می‌یافتد، صنایع هواپیمائی طبق بندهای ۳ ب و ۱۳ ب و ج قرارداد
حق داشت هر موقع بخواهد با اخطار سی روزه یا با پرداخت سی روز حقوق
قرارداد را فسخ کند.

۱۵ - خواهان اظهار می‌دارد که در اوضاع و احوال موجود قرارداد توسط صنایع
هواپیمائی فسخ شده، لیکن این کار بدون دادن خطار سی روزه انجام گرفته
و فسخ قرارداد ناشی از "تقصیری" از ناحیه خواهان نبوده است، و بنا بر این وی
حق دارد حقوق سی روز و حقوق و فوق العاده‌های پرداخت نشده قبلی و
وجوه دیگری که در اثر فسخ قرارداد به وی تعلق می‌گرفته را دریافت کند.

۱۶ - خوانده ادعای خواهان را مبنی بر اینکه قرارداد را فسخ کرده، رد و
استدلال می‌کند که قرارداد با استفاده ای دا وطلبانه خواهان، طبق نامه
مورخ ۱۸ فوریه ۱۹۷۹ (۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۲) وی فسخ گردیده و اضافه
می‌نماید که موضوعات مندرج در نامه مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۷۹ (۱۰ اسفند
ماه ۱۳۵۲) خواهان، نتیجه تعمق بعدی وی بوده و در هر صورت مطالعه
آن نامه برای آنکه خواهان قرارداد را فسخ شده تلقی نماید، کافی
نبوده است.

۱۲ - خوانده می‌پذیرد که در انتقال ۵۵٪ حقوق خواهان به حساب‌بانکی وی در ایالات متحده، که به طور معمول از طریق بانک صورت می‌گرفت، تاءً خیر رخ داده، لیکن می‌گوید که تاءً خیر معلول اعتراض کارمندان بانک مرکزی ایران و خارج از کنترل وی بوده است. خوانده اضافه می‌کند که وی جدا " و بطور مدام سعی کرده که حقوق کارمندان را پرداخت نموده و آنها را در جریان اوضاع قرار دهد.

۱۳ - دیوان می‌پذیرد که در پرداخت حقوق خواهان تاءً خیر شده، لیکن معتقد است که علت تاءً خیر این بوده که علیرغم حسن نیت خوانده در انجام این کار، حداقل تا آن حد که به حواله حقوق به ایالات متحده مربوط می‌شود به طریق عادی مقدور نبوده است. اوضاع عادی کاملاً" از هم پاشیده بود، لذا خواهان نمی‌توانست سرکار خود حاضر شود و خوانده نیز قادر نبود حقوق او را بپردازد. به حال به نظر دیوان تعیین این که آیا خوانده قرارداد را نقض کرده یا خیر ضروری نیست برای منظور فعلی اعلام این نظر کافی است که قرارداد در ۲۰ فوریه ۱۹۷۹ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۲) بدون آنکه تقصیری متوجه خواهان باشد، فسخ گردید.

ج - وضع دریافتیهای خواهان

۱۴ - قبل از بررسی جزئیات ادعای مربوط به خسارتم، دیوان باید براساس مدارک موجود، نظر دهد که خواهان چه مبالغی دریافت کرده و چه تعهداتی در ازاء آن مبالغ ایفا شده است.

۱۵ - خواهان ادعا می‌کند که : ۵۵٪ حقوق پایه دی ماه (۲۲ دسامبر ۱۹۷۸ تا ۲۰ زانویه ۱۹۷۹) که به ریال پرداخت می‌شده؛ و کل حقوق پایه ماههای بهمن و اسفند (۲۱ زانویه ۱۹۷۹ تا ۲۰ مارس ۱۹۷۹) و کلی _____ فوق العاده‌های سه ماه مذکور را دریافت نکرده است. خواهان علاوه بر آن مبالغ دیگری که در نتیجه فسخ قرارداد به وی تعلق می‌گرفته را مطالبه می‌کند.

۲۱ - خوانده اظهار می‌دارد که "کلیه حقوق ماهانه و فوق العاده‌های مقرر در قرارداد را تا ۲۰ فوریه ۱۹۷۹ (۱۳۵۶) به خواهان پرداخته است. خوانده یک‌پادداشت داخلی اداره کارگزینی و خدمات اداری صنایع هواپیمایی به تاریخ ۷ مارس ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) را به دیوان تسلیم کرده که طی آن دستور داده شده که حقوق و فوق العاده و بقیه مرخصی استعلامی و مرخصی استحقاقی، هزینه استقرار بعداز برگشت به موطئن و بهای بلیط هوایی مراجعت به ایالات متحده و مالیات فروندگاه وکرایه بار با هواپیما به خواهان پرداخت شود. خوانده به واریز مبلغ ۲۰۳۰۱/۲۲ دلار که در فوریه ۱۹۸۱ به حساب بانکی خواهان در ایالات متحده صورت گرفته، اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که مبلغ مزبور معادل مبالغی است که در یادداشت داخلی ذکر گردیده و با بتکلیه حقوق و مرایا و وجوده قابل پرداخت با بتفسیح قرارداد است که وی تا ۲۰ فوریه ۱۹۷۹ (۱۳۵۶) به خواهان بدھکار بوده است.

۲۲ - خوانده "مضافاً" اظهار می‌دارد که در ژانویه ۱۹۷۹، مبلغ ۷۵،۱۷۳ ریال با بتقسیت از حقوق و مزایای دی ماه (۲۲ دسامبر ۱۹۷۸) تا ۲۰ ژانویه ۱۹۷۹) خواهان به حساب بانکی وی نزد بانک سپه واریز نموده است. خوانده یک لیست پرداخت حقوق تسلیم نموده حاکی از آنکه قرار بوده وجهی به خواهان پرداخت شود. بعلاوه خوانده نامه مورخ ۲۰ ژانویه (۱۹۷۹) ۳۰ دی ماه (۱۳۵۷) خود را که در آن به بانک سپه دستور داده شده حقوق کارمندان نامبرده در لیست حقوق صنایع هواپیمایی پرداخت شود را رائمه داده و منظور از این لیست آن است که خواهان نیز جزء کسانی است که نامش در آن لیست ذکر شده است.

۲۳ - خواهان اعتراف می‌کند که مبلغ ۲۰۳۰۱/۲۲ دلاری را که به طریق الکترونیک به حساب وی در ایالات متحده منتقل شده، در فوریه ۱۹۸۱ دریافت کرده است. وی اظهار می‌دارد که این مبلغ را با بتتسویه بدھی

قبلی صنایع هوا پیمایی یعنی بدھی بابت ۵۰٪ حقوق پایه ماههای آبان، آذر و دی (۲۳ اکتبر ۱۹۷۸ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۷۹) که معمولاً به دلار پرداخت می‌شد، تلقی کرده است. وی ادعا می‌کند که صنایع هوا پیمایی پرداختهای مزبور را در مواعده مقرر انجام نداده و درنتیجه وقتی مبلغ ۲۰,۳۰۱/۲۲ دلار در فوریه ۱۹۸۱ به حساب‌وی در ایالات متحده منتقل گردید وی تصور کرد که پرداخت مزبور بابت تسویه بدھیهای ادعائی قبلی بوده که جزء ادعای مطروح وی در دیوان تعی باشد.

۴۴ - دیوان ملاحظه می‌کند که مدرکی وجود ندارد که نشان دهد خواهان اطلاعیه یا نامه‌ای از صنایع هوا پیمایی دریافت‌کرده و صنایع هوا پیمایی به وی اطلاع داده که انتقال الکترونیکی وجه در فوریه ۱۹۸۱ بابت چه بوده است. مضافاً "آنکه مبلغ منتقل شده تقریباً" معادل سه برابر ۵۰٪ حقوق پایه سه‌ماه، برابر مبلغی بوده که خواهان خود را طلبکار می‌دانسته است. هرچند که منظور خوانده از انتقال آن مبلغ ظاهراً پرداخت حقوق و مزایای باقیمانده و آخرین پرداخت‌های مقرر در یادداشت داخلی مورخ ۷ مارس ۱۹۷۹ (۱۶ اسفندماه ۱۳۵۷) بوده باشد دیوان معتقد است که تحت شرایط موجود خواهان حق داشته آن مبلغ را بابت ایفای تعهد قبلی خوانده بداند.

۴۵ - در مورد وجودی که حسب ادعا به حساب‌بانکی خواهان در بانک سپه واریز شده، دیوان ملاحظه می‌کند که علیرغم مدارکی که خوانده ارائه داده حاکی از آنکه صنایع هوا پیمایی دستور پرداخت مبلغ ۲۵,۱۲۳ ریال به خواهان را صادر کرده، دلیل کافی برای آنکه دیوان را مقاضعه سازد که بانک سپه آن دستورها را اجراه کرده، وجود ندارد.

۴۶ - بنا بر این دیوان نتیجه می‌گیرد که خوانده تعهد خود را نسبت به پرداخت وجود قراردادی تا آخر آذرماه (یعنی ۲۱ دسامبر ۱۹۷۸) ایفاء کرده و مضافاً "اینکه خواهان بابت ماه بعد یعنی دی ماه معادل قسمت دلاری حقوق خود را

دریافت کرده است . ما بقی حقوق خواهان به موجب قرارداد پرداخت نشده است . لیکن در مورد میزان این حقوق نیز بین طرفین اختلاف وجوددارد .

د - ادعا

۲۲ - خلاصه ادعای خواهان به شرح زیر است :

(۱) حقوق و مزايا

(الف) بابت دی ماه (۱۳۵۲) ۲۲ دسامبر ۱۹۷۸ تا ۲۰ زانویه ۱۹۷۹

یک - ۵۰٪ حقوق پایه (که معمولاً "به ریال پرداخت می‌شده")	۷۰۸/۵۰ دلار
" ۴۵۴/-	دو - فوق العاده خارج ازکشور
" ۴۵۹/-	سه - فوق العاده به صورت کالا و خدمات
" ۶۲۰/-	چهار - فوق العاده مسکن و وسائل
" ۲۱۲/-	پنج - فوق العاده خطر

۲۰، ۴۵۴/۵۰ دلار

(ب) بابت بهمن ماه (۱۳۵۲) ۲۱ زانویه ۱۹۷۹ تا ۱۹ فوریه ۱۹۷۹

یک - حقوق پایه	۱۰،۴۱۲/- دلار
دو - فوق العاده خارج ازکشور	" ۴۵۴/-
سه - فوق العاده به صورت کالا و خدمات	" ۴۵۹/-
چهار - فوق العاده مسکن و وسائل	" ۶۲۰/-
پنج - فوق العاده خطر	" ۲۱۲/-

۲۰، ۹۶۲/- دلار

(ج) بابت اسفندماه (۱۳۵۲) ۲۰ فوریه ۱۹۷۹ تا ۲۰ مارس ۱۹۷۹:

مانند بند (ب) فوق ۲۰، ۹۶۲/- دلار

(۲) **وجوه قابل پرداخت با بت فسخ قرارداد**

- (یک) با بت بقیه مرخصی استعلامی ۱۰۳۶۲/۵۰ دلار
- " ۴۱۰/۲۵ (دو) با بت بقیه مرخصی استحقاقی
- " ۹۵۹/۶۱ (سه) فوق العاده استقرار بعد از بازگشت به موطن
- " ۱۰۴۸۲/۸۵ (چهار) پا داش خاتمه قرارداد
- " ۲۸۲/۶۸ (پنج) جبران هزینه سفر متحمله
- (شش) با بت بلیط هوای پیمای خواهان و همسرش از تهران
- " ۹۰۱/۶۰ تا فرانکفورت
- (هفت) انبارداری و تحويل اثاثه شخصی خواهان در ایالات متحده
- " ۱۸۷/۴۰

۲۸ - لازم است که دیوان هریک از اقلام ادعای ادعاگانه بررسی کند.

(۱) **حقوق و مزايا****(یک) حقوق و فوق العاده خارج از کشور**

۲۹ - طرفین در مورد مبالغی که در قرارداد به عنوان حقوق پایه (۱۰,۴۱۷ دلار) و فوق العاده خارج از کشور (۳۵۴ دلار) قید شده بحثی ندارند، لیکن خواهان نه تنها حقوق و مزایای خود را تا تاریخ فسخ قرارداد بلکه حقوق اسفندماه (۲۰ فوریه ۱۹۷۹ تا ۲۰ مارس ۱۹۷۹) را نیز مطالبه کرده و اظهار می‌دارد که به جای اخطار سی روزه، باید سی روز حقوق دریافت کند. بند ۱۳ ج قرارداد، در کلیه مواردی که قرارداد بدون آنکه تقصیری متوجه کارمند باشد لغو گردد، مقرر می‌دارد که:

" صنایع هوای پیمایی به جای دادن سی روز اخطار قبلی سی روز حقوق به کارمند خواهد پرداخت . به علاوه، طبق بند (۱۳) طرفین این قرارداد می‌توانند هریک بدون ذکر هیچ علتی و منحصرا " پادادن سی روز اخطار کتبی به طرف دیگر قرارداد را لغو نمایند در چنین صورت کارمند می‌تواند بنای تقاضای صنایع هوای پیمایی تا آخرین روز ختم قرارداد به کار خود آدامد آده و حقوق دریافت کند ."

خوانده استدلال می‌کند که بند ۱۳ مزبور در موقعی که کارمند شخصاً

استعفا دهد طلاق نیست و چون خواهان با استعفای خود به قرارداد پایان داده حق ندارد به جای اخطار رسی روزه‌سی روز حقوق دریافت کند.

۳۰ - در مورد الزام دادن اخطار رسی روزه، دیوان تشخیص می‌دهد که در آن شرایط برای طرفین دشوار بود که طبق قرارداد اخطار مقرر را به طرف دیگر بدهند و هیچ مدرکی هم دایر برای وجود ندارد که صنایع هواپیمایی از خواهان درخواست کرده باشد بعد از فسخ قرارداد مدت سی روز کارکند. بالعکس مدارک حاکی از آن است که صنایع هواپیمایی از خواهان چنین درخواستی نکرده است. دیوان ملاحظه می‌نماید که با توجه به مشکلات دسترسی به محل کار و عدم امکان پرداخت حقوق بطور مرتب مشکل بود که به چنین درخواستی جامه عمل پوشاند. دیوان برای نظر است که چون قرارداد بدون آنکه تضمیری متوجه خواهان باشد فسخ شده، خواهان حق دارد طبق مفاد بند ۱۳ ج قرارداد به جای اخطار رسی روزه رسی روز حقوق دریافت کند. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهان حق دارد حقوق پایه و فوق العاده خارج از کشور سه ماه مذکور در بند ۲۷ یک فویی مبلغ ۴۰,۶۰۴/۵۰ دلار را دریافت نماید و حکمی بابت مبلغ مذکور صادر می‌کند.

دو - تغییر در وضع تاء هل (خواهان)

۳۱ - خواهان استدلال می‌کند که از ۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ (اول آذرماه ۱۳۵۷) حقوقی که بدوى تعلق می‌گرفته کلا "تغییر کرده است. خواهان در آن تاریخ ضمن استفاده از مرخصی خود در ایالات متحده ازدواج کرد. وی اظهار می‌دارد که فوق العاده کالا و خدمات و مسکن و وسائل و سایر پرداختها یعنی کرایه هواپیما و فوق العاده استقرار بعداز برگشت که ادعای می‌کند در زمان فسخ قرارداد به وی تعلق می‌گیرد، باید تعديل شود.

۳۲ - خوانده استدلال می‌کند که خواهان مقيد به انتخاب اوليه خود در ا مضاي قرارداد به عنوان يك فرد مجرد است، و استدلال می‌کند که طبق بند ۲۰ قرارداد هر تغييری در قرارداد باید با توافق طرفين باشد و كتبه " به اطلاع برسد، و خواهان ازدواج خود را رسما" به صنایع هواپيمايی اطلاع نداده و بنابراین حق ندارد ادعای هيچگونه وجه اضافی يا فوق العاده جهت همسر خود بنماید.

۳۳ - ديوان داوری تصميم در اين مورد که آيا خواهان ازدواج خود را رسما" به اطلاع صنایع هواپيمايی رسانده يا خير را ضروري نمیداند و متذکر می‌گردد که راجع به اينکه خواهان طبق قرارداد می‌توانسته وضع تاء هل خود را تغيير دهد اعتراض نشده است. ديوان نتيجه می‌گيرد که اين استنباط که اگر قرارداد ادامه می‌يافتد حقوق خواهان به اقتضای تغيير در وضع تاء هل وي تغيير می‌گردد و آن تغيير از تاريخ ازدواج وي عطف به مسابق می‌شد، منطقی است.

(س) فوق العاده کالا و خدمات

۳۴ - خواهان ادعا می‌کند که از ۲۱ اکتبر ۱۹۷۸ (۹ آبان ماه ۱۳۵۷) ميزان فوق العاده کالا و خدمات وي از سرخ قراردادی ۲۵۶ دلار به ۲۳۹ دلار در هر ماه افزایش يافته و به علاوه فوق العاده ماهانه يك کارمند متاء هل ۳۵۹ دلار بوده است.

۳۵ - ديوان ملاحظه می‌کند که يكى از فيش‌های حقوق تسلیمي خواهان که تاريخ آن ۲ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۱ آذر ماه ۱۳۵۷) است نشان می‌دهد که اين فوق العاده به ۲۳۹ دلار افزایش يافته بود، و مستند ادعای خواهان مبنی بر اينکه ميزان فوق العاده کارمند متاء هل ۳۵۹ دلار است تنها سوگندناهه وي می‌باشد و در نبود هيچگونه مدرکی برخلاف اين رقم، ديوان ادعای وي را منطقی دانسته و حکمی جهت پرداخت فوق العاده کالا و خدمات طی سه ماه مذكور به ميزان ۳۵۹ دلار در ماه، يعني جمعاً "به مبلغ ۱،۰۷۷ دلار صادر می‌کند.

(چهار) فوق العاده مسكن و وسائل

۳۶ - خواهان ادعا میکند که میزان فوق العاده مسكن و وسائل (که درقرارداد ۴۱۳ دلار ذکر شده) کارمند متاء هل ۶۲۰ دلار بود . مستند این ادعا نیز شهادت خود خواهان میباشد .

۳۷ - درنیبد هیچگونه مدرک معارض این رقم ، دیوان ادعای خواهان را معقول شمرده و حکمی به مبلغ ۶۲۰ دلار در ماه با بت فوق العاده مسكن سه ماه مذکور ، جمعا " به مبلغ ۱۰،۸۶۰ دلار به نفع وی صادر میکند .

(پنج) فوق العاده خطیر

۳۸ - خواهان ادعا میکند که در اکتبر ۱۹۷۸ مدیریت صنایع هواپیمائی بخشنامهای صادر و به کارمندان خود اطلاع داد که به علت نا آرامی داخلی در ایران فوق العاده ای به میزان ۱۵٪ حقوق پایه به کارمندان پرداخت خواهد شد . این فوق العاده بین کارمندان صنایع هواپیمائی بطور خصوصی به " فوق العاده خطیر " معروف بود .

۳۹ - خوانده اظهار میدارد که خواهان مستحق دریافت فوق العاده خطیر نبوده و بخشنامهای که نامبرده اشاره میکند هرگز صادر نگردیده است . خوانده مضافا " استدلال میکند که طبق بند چهار الف قرارداد هر تغییری در قرارداد باید کتبه " صورت گیرد و در نبود چنین اصلاحیه ای در باره " فوق العاده خطیر " خواهان نمیتواند ادعائی با بت آن اقامه نماید .

۴۰ - دیوان ملاحظه میکند که در فیش های حقوق مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۷۸ (۹ آبان ماه ۱۳۵۷) و ۲ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۱ آذرما ۱۳۵۷) کسخواهان تسلیم کرده وجهی با بت " فوق العاده خطیر " پرداخت نشده است . به نظر دیوان خواهان در توجیه این قسمت از ادعا مدرک کافی ارائه نداده و لذا این

قسمت از ادعا به دلیل فقد مدارک مردود می‌باشد.

(۲) پرداختهای پایان خدمت

(یک) و (دو) مرخصی استعلامی و استحقاقی استفاده نشده

۴۱ - خواهان اظهار می‌دارد که طبق بند ۱۰(ج) قرارداد استحقاق دارد معادل ۵۵٪ حقوق مرخصی استعلامی استفاده نشده خود را، دریافت کند و می‌گوید که تا ۲۰ مارس ۱۹۷۹ (۱۲۵۷هـ اسفندماه) جمعاً "۲۰ روز مرخصی استعلامی" داشته وی حق دارد با بت ۱۰ روز آن حقوق دریافت کند. وی مضافاً استدلال می‌کند که طبق بند ۱۰(الف) قرارداد با بت هرماه خدمت یک روز مرخصی با حقوق به وی تعلق می‌گیرد، و می‌گوید که تا ۲۰ مارس ۱۹۷۹ (۱۲۵۷هـ اسفند) جمعاً "سه روز مرخصی استحقاقی داشته و حقوق آن سه روز باید به وی پرداخت گردد.

۴۲ - خوانده استدلال می‌کند که چون خواهان "استعفا" داده حق مطالبه حقوق مرخصی استعلامی و استحقاقی را ندارد، و استدلال می‌کند که این حقوق فقط به کارمندانی که طبق مقررات با دادن اخطار استعفا می‌دهند یا کارمندانی که بدون تقصیر به خدماتشان خاتمه‌داده می‌شود تعلق می‌گیرد.

۴۳ - منطبق با نظر قبلی دیوان دائرباز که قرارداد بدون تقصیر خواهان فسخ شده، دیوان نتیجه می‌گیرد طبق بند ۱۰(ج) قرارداد خواهان حق دارد ۵۰ درصد حقوق مرخصی استعلامی خود را دریافت کند؛ علاوه برآن، هرجند پرداخت حقوق مرخصی استفاده نشده صریحاً "در بند ۱۰ (الف) تجوییز نشده، معهذا دیوان ملاحظه می‌کند که خوانده در یادداشت داخلی مورخ ۷ مارس ۱۹۷۹ (۱۶ اسفندماه ۱۳۵۷هـ) خود "پرداخت با بت مرخصی استعلامی و استحقاقی استفاده نشده" را پیش‌بینی کرده است.

۴۴ - در مورد نرخ پرداخت با بست مرخصی استعلامی و استحقاقی ، خواهان اظهار می‌دارد که در تعیین نرخ روزانه باید حقوق پایه و کلیه فوق العاده‌های وی منظور شود. خواسته استدلال می‌کند که تنها حقوق پایه و فوق العاده خارج از کشور باید در نظر گرفته شود. دیوان ملاحظه می‌کند که فوق العاده‌های کالا و خدمات و مسکن و وسائل که خواهان در محاسبه نرخ روزانه منظور می‌نماید هزینه‌های می‌باشد که کارمند، کما کان چه در مرخصی استعلامی و چه در مرخصی استحقاقی ، متحمل می‌شود. بنا براین دیوان نتیجه می‌گیرد، که مبنای صحیح محاسبه نرخ روزانه غرامت ، حقوق پایه ماهانه به علاوه کلیه مزا یا یعنی $126/92 = 260 \div (2/250 \times 12)$ دلار در روز می‌باشد.

۴۵ - دیوان ملاحظه می‌کند در گواهی آخرين " حقوق و مزا یا بی " که خوانده تسلیم کرده، ایام مرخصی استعلامی متعلقه به خواهان جمعاً " ۱۹/۵ روز ذکر شده است . به علاوه ، خواهان حق دارد معادل $1/25$ روز حقوق که به جای اخطار فسخ سی روزه به وی تعلق می‌گرفته و مجموعاً " $20/75$ روز حقوق دریافت کند. بنا براین دیوان حکم به پرداخت مبلغ $10,316/29 = (126/92 \text{ دلار}) \times (20/25 \div 2)$ دلار به خواهان صادر می‌کند.

۴۶ - در مورد حقوق مرخصی استحقاقی مورد مطالبه خواهان دیوان ملاحظه می‌کند که خوانده می‌پذیرد که از آن با بست $\frac{2}{8}$ روز حقوق بدھکار است . به علاوه ظرف مدت اخطار سی روزه یک روز مرخصی استحقاقی به خواهان تعلق می‌گرفته ولذا مرخصی استحقاقی وی جمعاً " به $\frac{2}{8}$ روز بالغ می‌شود. تحت این عنوان دیوان حکم به پرداخت مبلغ $364/89 = 126/92 \times 2$ دلار به خواهان صادر می‌نماید.

(سه) فوق العاده استقرار بعزا زبا زگشت به موطن

۴۷ - خواهان مبلغ ۴۲,۴۲۵ ریال با بابت فوق العاده استقرار بعزا زبا زگشت به موطن مطالبه می‌کند. طبق جدول بقرارداد فوق العاده مذبور درصورتی به کارمند تعلق می‌گیرد که "حداقل ۱۸ ماه تمام خدمت کرده باشد" به علاوه، خواهان مبلغ ۲۰,۲۲۸ ریال دیگر با بابت همین فوق العاده جهت همسرش مطالبه می‌کند.

۴۸ - خوانده اظهار می‌دارد که فوق العاده استقرار بعزا زبا زگشت به موطن به خواهان تعلق نمی‌گیرد زیرا وی هیجده ماه خدمت قراردادی خود را تکمیل نکرده است.

۴۹ - دیوان ملاحظه می‌کند که کارمند موقعی استحقاق دریافت فوق العاده استقرار بعزا زبا زگشت به موطن را پیدا می‌کند که حداقل هیجده ماه خدمت کرده باشد. چون خواهان هیجده ماه دوم ماء موریت خود را طی می‌کرده دیوان نتیجه می‌گیرد که وی استحقاق دریافت این فوق العاده را دارد. مضافاً، خوانده در یادداشت داخلی مورخ ۷ مارس ۱۹۷۹ (۱۶ اسفند ۱۳۵۲) خود این قلم را به عنوان یکی از موارد استحقاق خواهان ذکر کرده است. در مورد ۲۰,۲۲۸ ریال دیگری که خواهان جهت همسر خود مطالبه کرده دیوان ملاحظه می‌کند که جدول بقرارداد برای یک همسر فوق العاده پیش‌بینی کرده است. و چون خواهان قرارداد را به عنوان یک فرد مجرد امضاء کرده از این بابت مبلغی در قراردادش قید نشده است. دیوان منطبق با نظر قبلی خود در مورد اثر تغییر وضع تاء هل خواهان، نتیجه می‌گیرد که خواهان می‌تواند فوق العاده‌ای هم برای همسر خود مطالبه کند و درنبود هیچ دلیل معارضی با رقم ادعا شده، دیوان نتیجه می‌گیرد که مبلغ اضافی مورد مطالبه، یعنی مبلغ ۲۰,۲۲۸ ریال (که تقریباً "معادله ۳ درصد میزان مقرر برای کارمند است") مبلغ معقولی می‌باشد. خواهان این مبلغ را به تاریخ ۵۰/۵/۲۰ ریال به ازاء هر دلار تبدیل کرده و مبلغ ۹۵۹/۶۱ دلار مطالبه می‌کند. به دلائلی که در بندهای ۵۹ و ۶۱ آذیز ذکر می‌شود دیوان بابت فوق العاده استقرار بعزا زبا زگشت به موطن حکمی به مبلغ ۹۵۹/۶۱ دلار به نفع خواهان صادر می‌کند.

(چهار) پا داش پا یان خدمت

۵۰ - خواهان مبلغ ۱،۴۸۲/۸۵ دلار با بابت پا داش پا یان خدمت قراردادی مطالبه میکند. جدول (د) قرارداد حاکی است بعد از خاتمه رضا یت بخش خدمت مربوط به یک قرارداد هیجده ماهه پاداشی معادل پنج درصد حقوق پایه کارمند به وی پرداخت میگردد. خواهان اظهار میکند که طبق این ماده حق دارد ۵% حقوق پایه خود با بابت ۱۱ ماه تا ۲۲ اکتبر ۱۹۷۸ (۳۰ مهرماه ۱۳۵۷) را به عنوان پاداش خدمت مربوط به قرارداد دریافت کند. طبق اظهار وی پاداش مذبور از ۲۲ اکتبر ۱۹۷۸ (۳۰ مهرماه ۱۳۵۷) به بعد به ۱۰% حقوق پایه کارمند افزایش یافته است .

۵۱ - خوانده استدلال میکند که پاداش پایان خدمت قابل پرداخت نیست زیرا خواهان هیجده ماه ماء موریت خود را بپایان نرساند.

۵۲ - دیوان ملاحظه میکند که طبق جدول (د) قرارداد درصورتی که قسمتی از کار قرارداد تکمیل و قرارداد بدون تقصیر کارمند فسخ شود " به کارمند به نسبت $\frac{۱}{۱۸}$ دوره قرارداد برای هر سی (۳۰) روز پاداش خاتمه انجام کار پرداخت میگردد "

درنتیجه، از نظر همانگی با نظر قبلی دیوان مبنی براینکه قرارداد بدون تقصیری از ناحیه خواهان، فسخ گردیده، دیوان معتقد است که خواهان حق دارد با بابت مدت پانزده ماه تا ۲۰ مارس ۱۹۷۹ (۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۲) پاداشی متناسب با میزان مقرر دریافت کند. به نظر دیوان خواهان برای اثبات ادعای خود مبنی براینکه میزان پاداش پایان خدمت از ۲۲ اکتبر ۱۹۷۸ (۳۰ مهرماه ۱۳۵۷) به ۱۰% افزایش یافته دلیل کافی ارائه نداده است. بنا براین، دیوان نتیجه میگیرد که خواهان حق دارد مبلغ ۱۰۶۲/۲۵ دلار با بابت پاداش پایان خدمت قراردادی دریافت کند (درمورد شرط پرداخت به ریال، به دلایل مذکور در بندهای ۵۹ و ۶۰ زیر، دیوان معتقد است که این مبلغ باید به دلار پرداخت گردد).

(پنج) و (شش) هزینه سفر

۵۳ - خواهان طبق بند ۸ (د) و (ه) قرارداد مبلغ ۲۸۲/۶۸ دلار با بت جبران هزینه سفر متحمله به منظور تحصیل اجازه خروج همسرش و همچنین جمعاً مبلغ ۹۰۱/۶۰ دلار با بت بهای بلیط هواپیما جهت خود و همسرش از تهران به فرانکفورت مطالبه می‌کند.

۵۴ - خوانده استدلال می‌کند که هزینه سفر خواهان قابل پرداخت نیست زیرا خواهان قبل از تکمیل ماء موریت هیجده ماهه خود استعفاء داده است. خوانده مضافاً "اظهار می‌دارد که چون خواهان رسماً "تفییر وضع تاء همل خود را به اطلاع صنایع هواپیمایی نرسانده حق مطالبه هزینه سفر جهت همسر خود را ندارد.

۵۵ - دیوان ملاحظه می‌کند که بند ۱۳(ج) قرارداد مقرر می‌دارد که :

" در مواردی که قرارداد بدون آنکه تقصیری متوجه کارمند باشد لغو گردد صنایع هواپیمایی حتی الامکان سعی خواهد کرد به کارمند برای عزیمت از ایران کمک کند و کلیه ترتیبات برگشت به نحوی داده می‌شود که گوشی کارمند ماء موریت اولیه خود ... را با موفقیت به پایان رسانده است ."

در بند ۸(د) و (ه) قرارداد پرداخت هزینه حمل و نقل کارمندوهاستگان حائز شرایط وی برای برگشت ... از جمله پرداخت هزینه مسافرت هوائی کامل وی پیش‌بینی شده است . علاوه بر این ، بحثی نیست که خوانده بهای بلیط هواپیما جهت قسمت دوم سفر برگشت خواهان و همسرش یعنی ... از فرانکفورت به ایالات متحده را پرداخته است . بنا بر این ، دیوان حکمی به مبلغ ۹۰۱/۶۰ دلار با بت جبران بهای بلیط و مبلغ ۲۸۲/۶۸ دلار با بت هزینه سفر به نفع خواهان صادر می‌کند .

(هفت) هزینه انبارداری و تحويل اثاثه منزل

۵۶ - خواهان مبلغ ۱۸۷/۳۰ دلار با بابت جبرا ن هزینه انبارداری و تحويل وسائل شخصی خود در امریکا مطالبه می‌کند. بندهای ۲ و ۳ جدول (د) قرارداد مقرر می‌دارد که صنایع هواپیماهی هزینه انبارداری اثاثه خواهان در ایالات متحده و هزینه تحويل اثاثه در داخل ایالات متحده را پس از فسخ قرارداد بپردازد.

۵۷ - خوانده استدلال می‌کند که هزینه انبارداری مقرر در جدول (د) تنها موقعی قابل پرداخت است که کارمند ماء موریت خود را تکمیل کرده باشد.

۵۸ - دیوان برایین نظر است که خواهان محق است هزینه‌هایی را که با بابت انبارداری و تحويل اثاثه خود متحمل شده دریافت نماید. دیوان مدارک تسلیمی خواهان مبنی براینکه کل هزینه متحمله بالغ بر ۱۸۷/۳۰ دلار بوده است را می‌پذیرد.

چهار - ارز مورد استفاده در پرداخت

۵۹ - دیوان ملاحظه می‌کند که در بعضی موارد پرداخت مبالغ استحقاقی در قرارداد به ریال ذکر شده است. برای مثال ، میزان فوق العاده استقرار بعدازبازگشت به موطن و پاداش پایان خدمت قراردادی به ریال تعیین و در قرارداد صریحا " قید شده که وجهه مزبور به ریال پرداخت گردد. درینونه حاضر دیوان نتیجه می‌گیرد که خوانده با اقدامات وطی لوایح خوبیطور ضمنی تصدیق کرده است که کلیه وجوه استحقاقی به موجب قرارداد به دلار قابل پرداخت می‌باشد. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که خوانده ترتیبی داده که کلیه مبالغی که طبق قرارداد مديون بوده، به دلار به طور الکترونیک به حساب بانکی خواهان در ایالات متحده منتقل گردد.

۶۰ - دیوان لازم نمی‌بیند رخدان صحیح تبدیل را در مورد پاداش خدمت مربوط به قرارداد تعیین کند. هرچند که در قرارداد پاداش مذکور به ریال ذکر شده، محاسبه آن براساس حقوق پایه است که به دلار تعیین شده است . در مورد

فوق العاده استقرار بعذا زبا زگشت به موطن دیوان نرخ ۲۰/۵ ریال مورد استفاده خواهان در محاسبه مبلغ ۹۵۹/۶۱ دلار مورد ادعا را مناسب می‌داند. این نرخ با نرخ تبدیل معمول در زمان فسخ قرارداد مطابقت دارد. رجوع شود به :

International Financial Statistics, Supplement on Exchange Rates at 64 (International Monetary Fund 1985).

بنج - بهره و هزینه

۶۱ - خواهان بهره کل مبلغ مورد ادعا را به علاوه ۱/۵ درصد مبلغ حکم، بابت هزینه‌هایی که برای تنظیم ادعا متتحمل شده مطالبه می‌کند.

۶۲ - درمورد بهره، با استفاده از اصولی که در پرونده مکالو اندکا مپنی، اینک و وزارت پست و تلگراف و تلفن و سایرین بیندهای ۹۷ تا ۱۰۳ حکم شماره ۲۲۵-۸۹-۳ مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۸۶ (۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) اعلام گردیده و با در نظر گرفتن اینکه دیوان در مورد مقرر بودن خوانده در فسخ قرارداد نظری ابراز نکرده، مقرر می‌گردد که بهره مبلغ حکم به نرخ ۸/۵٪ در سال از ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) محاسبه شود.

۶۳ - درمورد هزینه‌ها، دیوان این قسمت از ادعاهای دارد که هر یک از طرفین هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

شش - حکم

۶۴ - به دلایل پیش‌گفته، دیوان داوری حکمی به شرح زیر مادر می‌کند:

(الف) خوانده، جمهوری اسلامی ایران متعهد است که مبلغ دوازده هزار و شصت و هفده دلار و دوازده سنت (۱۲,۶۱۷ دلار) به علاوه بهره‌ساده به نرخ ۸/۵٪ در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امامی دستور برداخت مبلغ حکم به بانک امین را از حساب تضمینی بدهد به خواهان تئودور لاث پردازد. تعهد مذبور با برداخت از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ زانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزا برایفاء خواهد شد.

- (ب) مابقی ادعا از لحاظ ماهیت مردود اعلام می‌شود.
- (ج) هریک از طرفین با یدهزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.
- (د) بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امامی به ریاست دیوان
تسلیم می‌شود.

لاهه، به تاریخ ۸ مهر ۱۹۸۶ برابر با ۱۳۶۵

مشل ویرالی
رئیس شعبه سه

به نام خدا

اندی

پرویز انعامی معین
موافق با بخشی و مخالف با بخشی
دیگر

Charles N. Brans

چارلزان . براوائر

الحق کامل به حکم، هرچنداین جانب ترجیح می‌دادم که دیوان (۱) رای به پرداخت هزینه‌های موردد رخواست دهد، زیرا بدیهی است که حداقل $\frac{1}{5}$ % از مبلغ حکم (یعنی ۱۳۶۵/۲۶ دلار) می‌باشد خرج شده باشد،
رجوع عسودیه بند ۳۹ حکم شماره ۱۱۷۱۳-۱-۲۲۳ مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۸۶ (۲) فروردین ماه ۱۳۶۵ در پرونده رانداستوارت کوهان و جمهوری اسلامی ایران و
(۲) نرخ بهره را ۱۰% تعیین نماید، رجوع شود به بندهای ۱۰۴ و ۱۰۰ حکم شماره ۲۲۵-۸۹-۳ مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۸۶ (۲) اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ در پرونده مکالوند کا مینی، اینک وزارت پست و تلکراف و تلفن و به بندهای ۲۲ تا ۲۸ نظر موافق و مخالف قاضی براوائر درهما نمورد، زیرا صدور حکم مبنی بر اینکه اقدام خوانده قانونی یا غیرقانونی بوده ارتباطی با تعیین نرخ بهره ندارد.